



مزار مشهور به امام زاده علاء الدین بر بلندای تپه‌ای در حاشیه کدکن



بازمانده‌های قلعه زروند در حاشیه شهر کدکن



وسلوک می‌کردند و محمد از کودکی در کدکن شیفته طایفه درویشان بوده است.



خانواده عطار اگرچه با نیشابور که یکی از مراکز بزرگ علم و عرفان بوده در ارتباط بوده‌اند ولی زادگاه خویش را ترک نکرده‌اند و عطار تا سن ۴۰-۳۰ سالگی در کدکن بوده و سپس به شادیاخ که جای نیشابور کهن را گرفته بود، مهاجرت کرده است. توضیح اینکه پنج سال پیش از اینکه فریدالدین به دنیا بیاید، غزان در سال ۵۴۸ قمری نیشابور را ویران کردند و پس از آن فرقه‌های مختلف به‌خاطر اختلافات مذهبی، محله‌های یکدیگر را خراب کرده‌به آتش کشیدند که به‌سبب آن قحطی ظاهر شد. علاوه بر این زلزله‌ای در سال ۶۰۵ قمری در نیشابور واقع شد آنچنان که مردم آواره صحرا شدند. فقط در اواخر دوره خوارزمشاه تا اندازه‌ای روی آرامش دیدولی حمله خانمان سوز مغول، آن را کاملاً ویران کرد. در این دوران پدر عطار به چه‌امیدی باید روستای خود را رها کند و به نیشابور بیاید. ولی در دوره خوارزمشاه کدکن ظاهراً در کانون توجه بوده است زیرا همشهریان عطار، همانند تاج‌الدین علی کدکنی در دربار سلطان محمد خوارزمشاه به وزارت می‌رسد و پسرش نورالدین منشی که گویا همسن فریدالدین بوده، همراه پدرش در آنجا بوده‌اند و طبیعتاً نفوذ آن‌ها در دربار موجب رونق کدکن شده است. آرامش نیشابور در این زمان سبب می‌شود فریدالدین به شادیاخ مهاجرت کند و در آنجا به کسب علم و افتتاح داروخانه بپردازد؛ این پس از مرگ پدرش در سال ۶۱۳ قمری بوده است.

اکنون مزار شیخ ابراهیم پدر شیخ عطار در شمال غرب زروند در وسط قبرستان این روستای فروخته وجود دارد. این مزار تا چند سال پیش به صورت دو مکعب سنگچین با خرپشته‌ای که روی آن ساخته شده، بود ولی کاوشگران عتیقه آن را ویران کردند تا اینکه شهرداری کدکن با خرید املاک اطراف آن و برآوردن سکو و سنگ قبری، هر سال ۲۶ فروردین مراسم بزرگداشتی در آنجا برگزار می‌کند و با تهیه نقشه‌ای جامع درصدد ایجاد مکانی تفریحی و زیارتی است.



بر اساس تحقیق استاد بدیع‌الزمان فروزانفر، شیخ ابراهیم عطار کدکنی میانه سال‌های ۵۹۵ قمری رخت از جهان برپسته و مادر عطار در هنگام فوت پدرش زنده بوده است. از خلال منابع برمی‌آید جد شیخ فریدالدین عطار، اسحاق بوده است. در جنوب غربی زروند بر کمرگاه کوهی بنام گلهو، مزاری به صورت چهارطاقی برآورده از سنگ لاشه‌ای است که به‌پیر یاهوی اسحاق معروف است و اهالی کدکن به‌خصوص زن‌ها همیشه در آنجا مراسم روضه‌خوانی دارند. در سال‌هایی که خشکسالی به این منطقه رومی آورد، مردم در آنجا گردهم می‌آیند و غذایی به نام بلغور پخته و سنگ سفید و بزرگی را که به سنگ پیر معروف است تکان داده و اعتقاد دارند با جنبش آن باران خواهد بارید.

آن‌ها بر اساس گفته پیشینیان بیان می‌کنند اسحاق پیری باموهای بلند و ژولیده بوده و هر روز روی همان سنگ سفیدی نشست و ذکر باحق، یاهومی گفته؛ تا اینکه گذار حضرت موسی به آنجا می‌افتد و از پیر می‌پرسد تو را با حق چه کار است؟ اسحاق تا این حرف را می‌شنود در دم جان می‌دهد، حضرت موسی، اسحاق را در آنجا کفن و دفن می‌کند. داستان یاد شده شبیه داستان عطار در داروخانه با آن درویش است که بنا به روایت جامی سبب گرایش عطار به تصوف شد. زروند علاوه بر آسیب‌هایی که از یورش‌های قوم غز (۵۴۸ هجری قمری) و مغول (۶۱۸ هجری قمری) و یازلزله‌های سال‌های (۵۴۰، ۵۵۵، ۶۰۵ قمری) بر آن وارد آمده، بنا به گفته مردم کدکن ظاهراً توسط برف سنگینی کاملاً از بین رفته است.

راه دیگر ورود به کدکن از نیشابور است؛ از کنار مزار فرزند کدکن یعنی «شیخ فریدالدین عطار» و «خیام» و «امامزاده محمد محروق»؛ از میان کشتزارها و دهاتی همچون «جوری»، «باقریه»، «سالاری»، «شهر کهنه»، «قلعه شیشه»، «عشرت‌آباد»، «گلبو» و «عنبر» به مسافت ۷۵ کیلومتر. راهی که شیخ عطار در قرن هفتم هجری بارها طی طریق نمود و گویا هفت وادی عشق تا قله قاف را از این مسیر و ام گرفت.

کدکن به‌خاطر آب و هوای معتدل، خاک حاصلخیز و آب فراوان و واقع شدن در مسیر یکی از راه‌های اصلی منتهی به نیشابور از دیر هنگام مسکون بوده و آثار مکشوفه قدمتش را به هزاره سوم پیش از میلاد می‌رساند و تاکنون در عرصه تاریخ با وجود نامایمات و گاه‌بی‌مهری‌های طبیعی و انسانی همچنان استوار باقی مانده است.



شواهد تاریخی گواه آن است عارف و شاعر بلند آوازه ایران شیخ فریدالدین عطار در نیمه اول قرن ششم در زروند، روستایی در دو کیلومتری شرق کدکن به دنیا آمد و در کدکن سکونت داشت، آنچنان که در ضمن اشعاری که بر سنگ مزارش حک شده به آن اشاره شده است:

شد زرش را خاک نیشابور کان / مولدش زروند و کدکانش مکان

اگرچه از زروند در منابع تاریخی قرون نخستین هجری خبری نیست اما آثار مکشوفه از هزاره دوم پیش از میلاد تا دوره قاجار (سفالینه‌ها، قبرستان‌ها، کاریزهای قدیمی، مزار پدر عطار، برج زروند، نشان کوچه‌ها و کوی‌ها، درخت مقدس سرو و مسجد جامع و غیره) نشان از سکونت بشر در این مکان دارد. خود نام زروند که از دو کلمه زر (zar) و وند (vand) ترکیب یافته به معنی دارنده زر و به احتمال زیاد بازمانده‌ای از ایران باستان باشد. اکنون زروندی یکی از مزارع و باغستان‌های کدکن است که از آب کاریز کهنسالی سیراب می‌شود.

کدکن یا زروند که پیش از قرن ششم به نام «بیشک» معروف بوده از همان قدیم‌الایام به عنوان مرکز ولایت «رخ» و یکی از ولایت‌های نیشابور کهن بوده است. تا اینکه در اوایل دوره قاجاریه «اسحاق خان قریبی»، خان زاوه و تربت حیدریه این ولایت را ضمیمه قلمرو خود کرد که تاکنون جزو شهرستان تربت حیدریه است.



«عبدالله عامر کریز» سردار مسلمانان در سال ۳۰ قمری این ولایت و مرکز آن را فتح کرد و مدتی با سپاهیان‌ش در آنجا مقیم شد. در سال ۵۵ قمری سعید پسر عثمان بن عفان در کدکن (بیشک) با یکی از دختران حاکم آنجا ازدواج کرد؛ ثمره آن پسر و دختری به نام‌های «محم» و «عین‌النساء» است که بعداً از آن‌ها خانواده‌ای اشرافی در ولایت رخ و کدکن و نیشابور گسترش پیدا کرد که به خاندان «محمی» معروف و تا اوایل قرن ششم در جهان اسلام شناخته و تأثیرگذار بودند. اما با افول خاندان محدث محمی، از خاک رخ و کدکن درختانی رویدند که سایه گستر فرهنگ و ادب و عرفان شدند، «شیخ احمد جامی نامقی» در مسیرش به «زام» در روستای برس کدکن مدتی مقیم شد و با یکی از دوشیزگان آنجا ازدواج کرد که ثمره آن فرزندانی بود که دونفر آن‌ها یکی «قطب‌الدین» و دیگری «رضی‌الدین» در برس بوده‌اند و اکنون قبور آن‌ها زیارتگاه مردم است. در این زمان (دوره سلجوقی و خوارزمشاهی) از کدکن افراد پرآوازه‌ای از جمله «کریم‌الشرق کدکنی» سپهسالار و حاکم نیشابور در دوره سلجوقی و فرزندش «تاج‌الدین علی» وزیر غیاث‌الدین پیرشاه خوارزمشاهی و نوه‌اش «نورالدین» منشی دبیر و منشی سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه به ظهور رسیدند. در این زمان گویا خاندان شیخ فریدالدین عطار در زروند و کدکن در وادی عرفان سیر

شواهد تاریخی گواه آن است عارف و شاعر بلند آوازه ایران شیخ فریدالدین عطار در نیمه اول قرن ششم در زروند، روستایی در دو کیلومتری شرق کدکن به دنیا آمد و در کدکن سکونت داشت